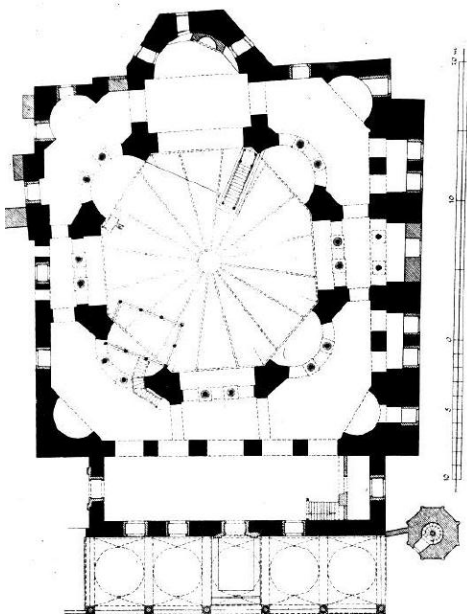
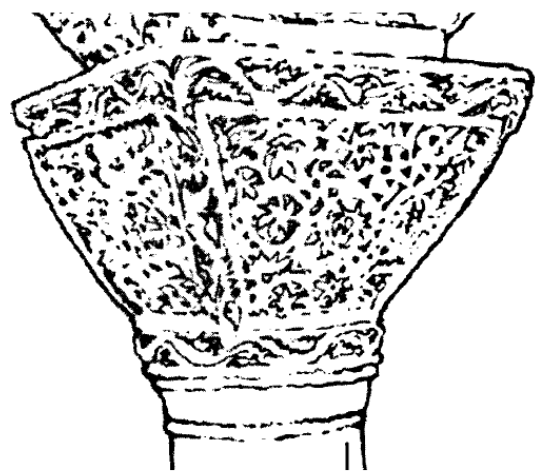


" هنر و معماری صدر مسیحیت و بیزانس " – " کتاب هنر در گذر زمان "



هنر و معماری مسیحیت :

مقدمه :

گیبون در کتاب خود با نام "زوال و سقوط امپراطوری رم"، مسیحیت را علت اصلی زوال امپراطوری رم، می داند؛ اما گاردنر چنین اعتقادی ندارد و معتقد است یکی از دلایل اصلی شکست امپراطوری قدرتمند رم، تجزیه آن به دو بخش رم شرقی و رم غربی در اواسط قرن سوم میلادی است. اوایل که دین مسیحیت در رم مطرح شد، روحیه کاملاً متفاوتی نسبت به دین و خدایان باستانی رومیان داشت. همان طور که ترتولیانوس (متاله رومی آن زمان) می گوید: "چه وجه مشترکی بین آکادمی افلاطون و کلیسا وجود دارد؟" در واقع مسیحیت آئینی از مختصات کیش های خاورزمین و مشرق به حساب می آمد که با آئین رومی ها تفاوت زیادی داشت؛ به ویژه اینکه آئین رومیان به آئین و مراسم سری تبدیل شده بود، دستگاہ مرزی با فرمول های جادویی و رازهای عرفانی که فقط تعداد انگشت شماری می توانستند از این رازها باخبر شوند. در نظر مسیحیان هم امپراطوری رم با آن فساوتهای، ماده پرستی ها، جنگ ها و خدایان دروغین، "قلمروی شیطان" بود که البته همین امپراطوری رم با اعلام رسمی دین مسیحیت به عنوان دین رسمی کشور توسط کنستانتین در سال 325 میلادی، برای مسیحیان به ارث گذاشته شد و پایه گذار قرونی به نام **قرون وسطی** در محدوده رم غربی شد.

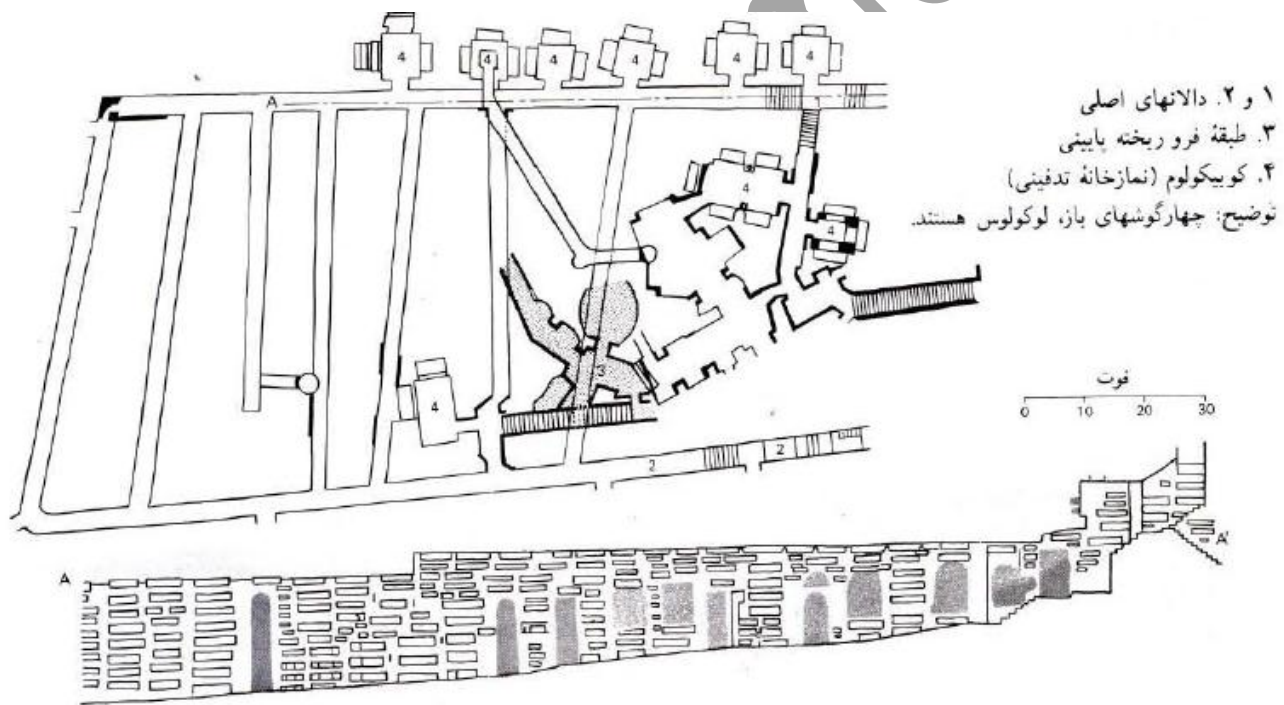
دوره های هنر مسیحیت آغازین (صدر مسیحیت) :

- دوره صدر مسیحیت به دو دوره قابل تقسیم بندی است :
- 1) دوره پیگرد:** از تاسیس نخستین اجتماعات در سده نخست میلادی تا 313 میلادی، در این دوره مسیحیت، فرقه ای مزاحم م خطرناک برای رومیان به شمار می آمد و مسیحیان توسط رومیان، تحت پیگرد و شدیدترین مجازاتها قرار می گرفتند.
- 2) دوره بازشناسی:** از حدود 325 میلادی که کنستانتین مسیحیت را به عنوان دین رسمی اعلام می کند تا حدود سال 500 میلادی که ایالتهای غربی امپراطوری رم تحت تسلط شاهان بربر قرار گرفته بودند، ادامه یافت.

مقابر دخمه ای :

ارزشمند ترین یادمان های دوره پیگرد که تماماً در زیرزمین حفر می شدند، مقابر دخمه ای بودند. این مقابر شیکه های گسترده ای از دالان ها و اتاقک های زیرزمینی در زیر شهر رم و شهرهای دیگر بودند که مسیحیان برای دفن مردگان مسیحی خود از آنها استفاده می کردند. این مقابر زیرزمینی در دوران پیگرد، کارکردهای دیگری مانند مخفی گاه پناهندگان مسیحی و محل اجرای آیین های مسیحی نیز داشت. این مقابر از سده دوم تا چهارم پیوسته مورد استفاده قرار می گرفتند.

- ابتدا دالان هایی به پهنای 90-120 سانتی متر می کردند و در دیوارهای این دالان ها، تورفتگی ها و تاقچه هایی برای نگه داری از اجساد مردگان حفر می کردند به نام **لوکولوس**.
 - در این مقابر، اتاق هایی به نام **کوبیکولوم** نیز ساخته می شد، به عنوان نمازخانه های تدفینی یا عبادتگاه های دخمه ای. بعد از اعلام دین مسیحی به عنوان دین مسیحی در دوره بازشناسی، این مقابر از رواج افتادند و به عنوان مکان های مقدس، زیارتگاه و یادگار شهدا مورد استفاده مسیحیان قرار می گرفتند.
 - بسیاری از کوبیکولوم ها را با نقاشی های دیواری و سقفی به شیوه رومی پسین، تزئین می کردند. اغلب موضوع عیسی مسیح و دیگر داستانهای پیامبران مانند یونس(ع) بود.
- نکته : در مقابر دخمه ای متعلق به دوره پیگرد، مسیح تقریباً همیشه در لباس چوپان نیکوکار است یا در لباس یک آموزگار. بعد از اینکه مسیحیت دین رسمی می شود، شمایل مسیح، خصوصیات امپراطورانه می گیرد؛ مانند هاله دور سر، ردای ارغوانی و تاج.
- نکته : سبک نقاشان مقابر گوردخمه ای، امپرسیونیسم شتابان است، چرا که در رطوبت زیاد و هوای سنگین ناشی از تعفن اجساد فاسد شده و نور کم، هنرمند فرصت کافی برای خلق اثر خود داشته است.



پلان و نمای مقابر دخمه ای در صدر مسیحیت



فضای داخلی مقابر دخمه ای-لوکوس ها در دیواره ها

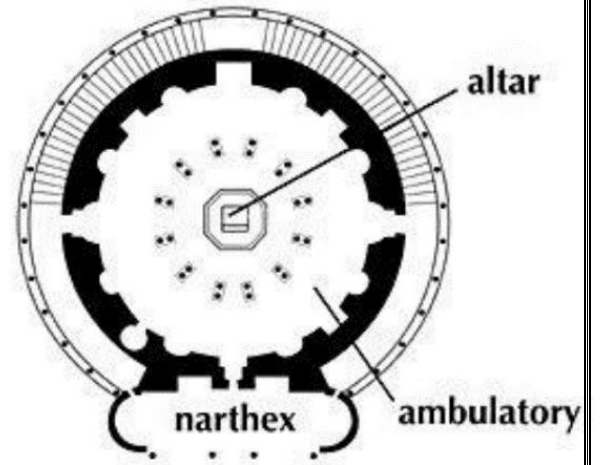
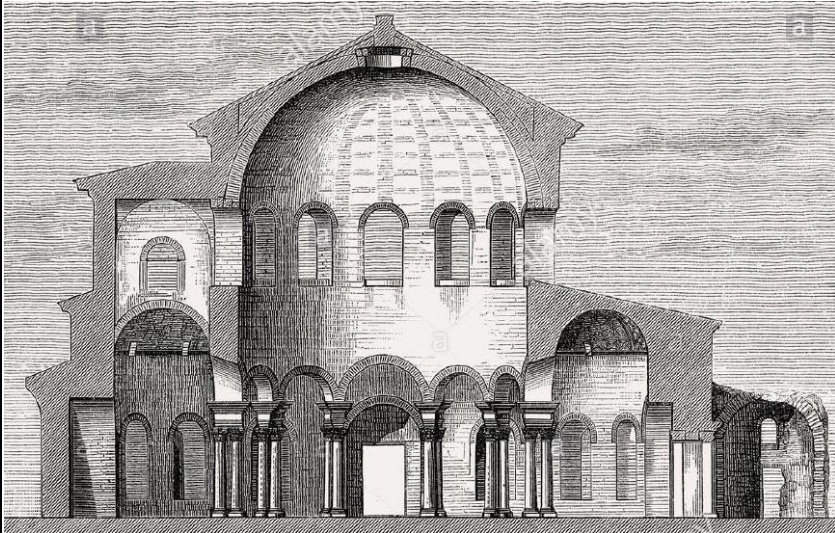


نمونه ای از نقاشی های دوران صدر مسیحیت در مقابر دخمه ای

▪ کلیسای سانتا کوستانستا (اواسط قرن 4 میلادی):

- نمونه ای از الگوی مرکزی، کلیسای سانتا کوستانستا در رم است که در آغاز یک تعمیرگاه بود و سپس به آرامگاه دختر کنستانتین یعنی کنستانتینا، تبدیل شد.
 - به اعتقاد گاردنر احتمالاً سازندگان این کلیسای مدور، از معبد پانتئون یا بنای مدور گنبدی بالای حوضچه های حمام های عمومی کاراکالا، الهام گرفته اند. در این کلیسا، طاق بندی دیواری باسیلیکای طولی، حول دایره ای چرخیده و یک غلام گردش مدور را به وجود آورده است.
 - ناتورالیسم پر جلوه موزائیک های طاق غلام گردش، حکایت از ادامه نفوذ روحیه ناشی از دین رم دارد.
- نکته:** تمانی بناهای مهم سده 4 میلادی، از جمله کلیسای سانتا کوستانستا و باسیلیکاهای بزرگ طولی، در اثر حمایت کنستانتین و نزدیکانش، ساخته شدند.

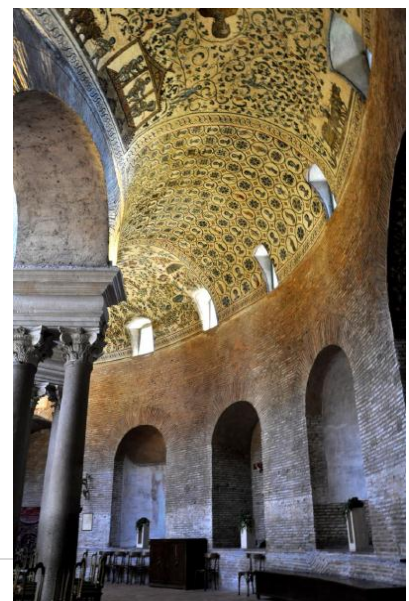
- به اعتقاد گاردنر، استفاده از طرح مرکزی احتمالاً به دلیل جاودانه ساختن افراد مهم و طرح طولی باسیلیکا برای گرد هم آوردن عده ای از زائرین، مورد پسند مسیحیان اولیه واقع شد.



پلان و برش کلیسای سانتا کوستانستا



نماهایی از کلیسای سانتا کوستانستا



فضای داخلی و مزار دختر کنستانتین در کلیسای سانتا

▪ کلیسای سن ویتاله، راوننا، 526-547 م.:

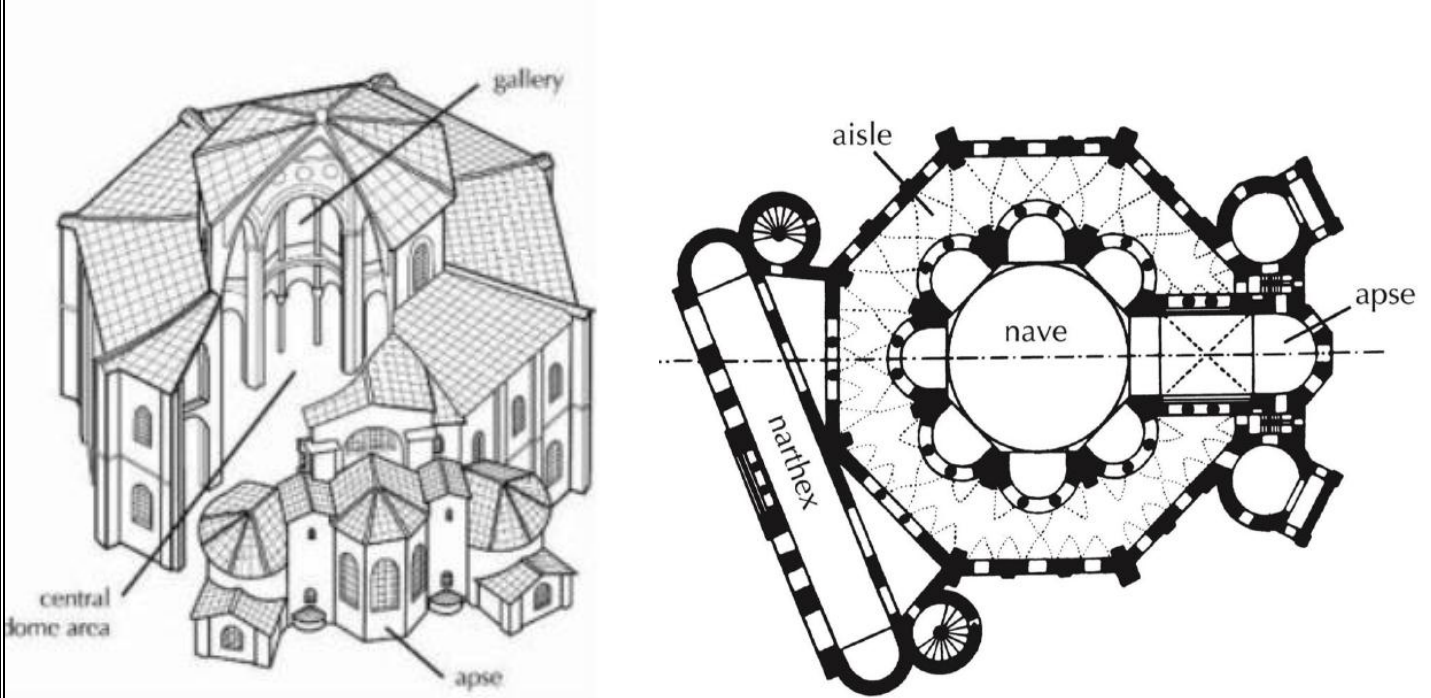
- سبک بیزانسی که زاییده خاورمآب شدن ناتورالیسم هلنی است^۱، با عظمتی ساختمانی و شکوهی تزئینی در موزاییک کاری های کلیسای سن ویتاله ظاهر می شود.
- این کلیسا و تزئینات بی نظیر موزاییک کاری اش، نماینده **نخستین عصر طلایی بیزانسی** و دوره امپراطوری یوستی نیانوس است.
- تنها وجه اشتراک کلیسای سن ویتاله با دیگر کلیساهای راوننا، نمای ساده بیرون و مذبح چندضلعی اش است. به غیر از این دو مورد، بنایی سراپا متفاوت است.
- این کلیسا، ساختمانی مرکزی با دو 8 ضلعی متحدالمرکز است که این دو 8 ضلعی، یک غلام گردش دایره وار را به وجود آورده اند. اجزاء دیگر این کلیسا شامل یک محراب در جلوی یک مذبح است.
- غلام گردش این کلیسا، 2 طبقه است؛ به طبقه دوم که ویژه عبادت بانوان بوده است، **بالکانه** گویند. در واقع بالکانه از مختصات کلیساهای بیزانسی است



بالکانه یا طبقه دوم ویژه عبادت بانوان در سن ویتاله

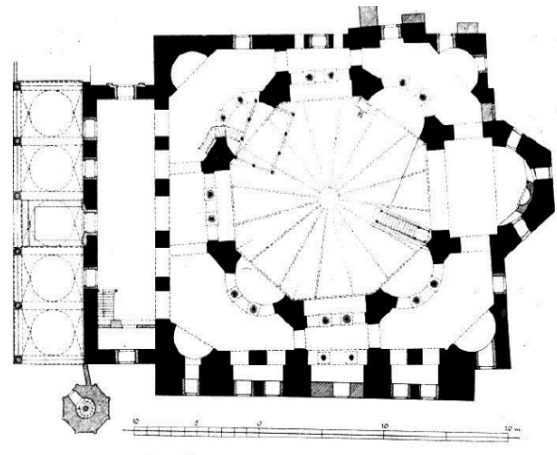
¹ منظور از خاورمآب شدن، شرقی شدن و داشتن روحیه شرقی است.

به اعتقاد گاردنر نوری که از میان پنجره های سقف، بر موزاییک های درخشان این کلیسا می تابد، روحیه شرقی دارد. به عبارتی، سرچشمه الهام این کلیسا را نه در رم، بلکه در بیزانس باید جستجو کرد.



پلان و برش - پرسپکتیو سن ویتاله

گاردنر **کلیسای سرگیوس و باکوس** که 10 سال قبل از تکمیل ساختمان کلیسای سن ویتاله در قسطنطنیه ساخته شده است را طرحی اجمالی و مقدماتی برای کلیسای سن ویتاله می داند. در واقع، سن ویتاله، طرح کامل شده کلیسای سرگیوس و باکوس است.



پلان و نمایی از کلیسای سرگیوس و باکوس

- موزاییک های محراب کلیسای سن ویتاله، یکی از دستاوردهای درخشان هنر بیزانسی است. تزئینات مذبح و جایگاه سرایندگان این کلیسا، پیروزی یوستی نیانوس را نشان می دهند. یوستی نیانوس در لباس یک شاه-کشیش نشان داده شده است. در واقع در فضای بیزانس، امپراطور مسیحی در لباس یک کشیش اعظم مسیح گونه ظاهر شد. تصویر مسیح در میان فرشتگان و قدیسان، یکی دیگر از موزائیک کاری های مذبح این کلیسا است.



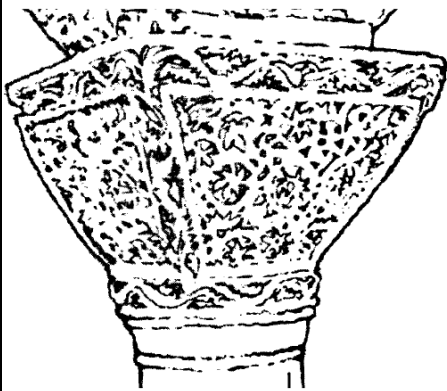
موزاییک کاری یوستی نیانوس در سمت راست و همسرش در سمت چپ- سن ویتاله

- به باور گاردنر، به سختی می توان از هنر بیزانسی سخن گفت و اصطلاح "**روحانی**" را به کار نگرفت. مسیحیت که در آغاز به عنوان یک آئین پرستش سری شکل گرفته بود، سر را در قلب خود نگه داشت؛ حتی می توان گفت که شخص کشیش به تدریج متخصص سرشناسی می شود. فراطبیعت گرایی کشیشانه ای که هیچ ارزش و فضیلتی برای ماده و ارزش



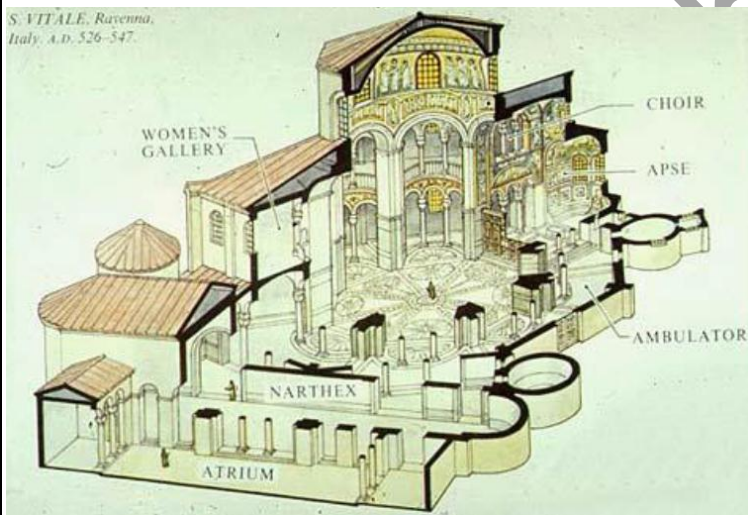
پشت بندها و تزئینات فضای داخلی سن ویتاله

های مادی قائل نیست در سراسر سده های میانه، مخصوصا در بیزانس ارتدوکس، مسلط است و همین فراطبیعت گرای روحانی است که شکل ظاهر هنر تجسمی یا پیکری بیزانس، از آن سرچشمه می گیرد



نمونه ای از سرستون سبکی در کلیسای سن ویتال

در اوفا شبکه پرتوان دولت به هدایت یوستی نیانوس و ماکسیمیانوس توانسته بود تمام قدرت ایمان مسیحی و اقتدار سیاسی را در گروهی از ساختمان های عظیم درهم آمیزد و متمرکز کند. در این روند، الگویی از هنر مذهبی با قدرت مذهبی جادویی آفریده شد که می توانست هم در خدمت کلیسا باشد و هم در خدمت دولت تقدیس شده امپراتوری. این الگو یا وحدت کمال مطلوب عنصر معنوی و مادی، شدیداً بر سده های میانه در هر دو بخش شرقی و غربی موثر افتاد.



برش-پرسیکتیو و نمایی از سن ویتال